گر تو بهتر می زنی بستان بزن: اگر تو بهتر بلدی، خودت این کار را بکن.

گر صبر کنی ز غوره حلوا سازیم: کارها با صبر و بردباری انجام می شود.

گربه آمد و آن دنبه را برد: باید سریع چاره کار خود کنی وگرنه حریف از تو جلو می افتد.

گربه را دم حجله باید کشت: از آغاز هر کاری باید محکم کاری کرد.

گردن کج کردن: خود را کوچک کردن، عاجزانه چیزی از کسی خواستن.

گز نکرده پاره کردن: بدون مطالعه به کاری مبادرت کردن.

گل سر سبد بودن: برگزیده گروه بودن، ممتاز گروه شدن.

گوش کسی را بریدن: کلاه برداری کردن از کسی. پول کسی را خوردن.

گیر و دار: مخمصه